

توای سازمان بدان که منفور هستی

”

افراد سازمان به فکر بودند که هر چه زودتر یک نبردی را با نیروهای مؤمن واقعی شروع کنند و بنابراین آنچه که آن موقع در زندان می‌گفتند، آرزوی عبور از جنازه ما در رسیدن به مبارزه بعدی را تحقق بخشید

“

■ اثبات نفاق سازمان

... ای سازمان آیا در این دو سال و نیم شد که یک امریکایی را بکشی؟ و بگویید که ما ضد امریکایی هستیم! آیا در عرض این دو سال و نیم شد که یک ساواکی را بکشی؟ آیا شد که یک سرمایه‌دار صهیونیست استثمارگر را بکشی و بیایی بگویی که انقلابی هستی؟! اما بهشتی را کشتی، این موضع‌گیری تو است. و تو ای سازمان بدان که منفور هستی و مردم قلب‌شان، تمام رگ‌هایشان به بهشتی‌ها پیوند دارد، ولی تو کوری و نمی‌بینی. واقعاً برای من که تا حدودی چند سال با محمد حنیف‌نژاد، با رضا رضایی و احمد رضایی بودم ... هر وقت تصور می‌کنم که شما به عنوان عضو سازمان مجاهدین می‌بینید که مسعودتان نخست‌وزیر بنی‌صدر شده و از اینجا به فرانسه فرار کرده، آنجا جبهه متحد ضد انقلاب را دارد سازمان می‌دهد، چگونه خوابتان می‌برد؟ واقعاً تعجب می‌کنم ... روی این مسئله فکر کنید که آیا شما می‌توانید در تاریخ جواب این حرکت را بدهید؟ شما می‌توانید بگویید که کشتن (آیت‌الله) خامنه‌ای برای شما لازم‌تر از کشتن یک امریکایی یا یک ساواکی یا یک اسرائیلی بوده است؟



دیدیم که حتی کسانی را که در مدرسه رفاه (محل استقرار امام پس از ۱۲ بهمن ۵۷) مشغول خدمت بودند، شناسایی کرده‌اند و برای هر کدام یک کارت مشخصات درست کردند. پس از این موقع اینها به فکر بودند که هر چه زودتر یک نبردی را با نیروهای مؤمن واقعی شروع کنند و بنابراین آنچه که آن موقع در زندان می‌گفتند، آرزوی عبور از جنازه ما در رسیدن به مبارزه بعدی را تحقق بخشید ... سازمان مجاهدین با عملکردی که در این دو سال و نیم دارند خط خودشان را نشان دادند.

شهید محمدعلی رجایی دوهفته پیش از شهادت در یک پیام تلویزیونی تحلیل مشروحی از سوابق و عملکرد سازمان ارائه نمود. وی که خود پیش از انقلاب به دلیل همکاری با رهبران اولیه سازمان سال‌ها زندان و شکنجه سخت را متحمل شده بود چنین گفت:

سازمان مجاهدین در زندان حرف‌شان این بود که درست است که ما شعار مبارزه با امپریالیسم می‌دهیم، درست است که با رژیم شاه می‌جنگیم، درست است که با ساواک باید جنگید، ولی قبل از هر چیزی با مسلمانانی که امام خمینی را به عنوان رهبر این انقلاب قبول دارند، باید با آنها جنگید. باید از روی جنازه آنها رد شد و به آن مبارزه بعدی رسید. این تفکر آنها بود و ما در زندان به روشنی می‌دیدیم که با مارکسیست‌ها متحد می‌شوند و علیه ما می‌جنگند ... پس از پیروزی انقلاب سازمان از هر فرصتی استفاده می‌کرد که دست کم ۳ چیز را برای خودش آماده بکند، یکی از آنها اسلحه بود. به محض اینکه مردم ما در انقلاب پیروز شدند، اینها به انواع وسایل متوسل شدند برای جمع‌آوری اسلحه ... برای روزی که در نظر داشتند. بعد از جمع‌آوری اسلحه دوم اینکه شروع کردند به جمع‌آوری امکانات مالی و تدارکاتی. از بردن ماشین‌های دولتی گرفته تا بردن پول‌های نقد و اسناد و تصرف اماکن. مدت‌ها طول کشید تا مردم توانستند این اماکن را که آنها به زور گرفته بودند از آنها پس بگیرند. به موازات این دو کار چیزی که برای همه ما تعجب‌آور باشد، سوم اینکه اینها شروع کردند به شناسایی شخصیت‌هایی که ممکن است در آینده این انقلاب نقش داشته باشند. اخیراً یکی از خانه‌های تیمی که به دست شما مردم لو رفته و تصرف شده، در آنجا اسنادی را

